

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

معرفی یوسف اعتصام‌الملک (روشنفکری پیشگام از دیار مشروطه) با سیری در آثار او
(ص 179-196)

قدسیه رضوانیان¹، مریم محمودی نوسر²

تاریخ دریافت مقاله: 1393/2/22

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده

ترجمه، از جریانهای نوظهوری است که با پیدایش نخستین گرایشهای جدید اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران عصر قاجار بوجود آمده و نقش بسزایی در پیدایش اندیشه‌های نوین دوره جدید پس از مشروطه داشته است.

یکی از پیشروان این عرصه، میرزا یوسف اعتصامی، معروف به اعتصام‌الملک است؛ او از جمله روشنفکران و اندیشمندان عصر قاجار محسوب میگردد که با فعالیت‌های گسترده‌اش در این زمینه، نقش برجسته‌ای در پیوند و همسانی جریانمندی ادبیات ایران و جهان ایفا نموده، وانگهی آثار ارزنده‌ای را بخصوص در حوزه‌های گوناگون نظم و نثر جدید و نوگرایهای مضمونی و ساختاری ادبیات معاصر عرضه داشته است.

نظر به اینکه درخور نقش و میزان تأثیرگذاری این متفکر و مترجم نوگرا در ادبیات معاصر ایران پژوهشی صورت نگرفته، پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به معرفی اعتصام‌الملک و آثار گوناگون وی پرداخته، سپس با بررسی شیوه نگارش، مضامین و نوآوریهایش، پیشگامی او را در زمینه‌های مختلف رویکرد جدید ادبی نشان میدهد.

واژه‌های کلیدی: عصر مشروطه، ترجمه، یوسف اعتصام‌الملک.

¹ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، Ghrezvan@umz.ac.ir

² دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، mismahmoodi_13@yahoo.com

مقدمه

ارتباط میان ایران و غرب، از کمی پیش از عصر مشروطه؛ یعنی هنگامی که اندیشه‌های مشروطه‌خواهانه در حال شکل‌گیری بود، روند دیگری یافت. در حالی که ایران در این زمان، در نهایت انحطاط اجتماعی، فرهنگی و ضعف سیاسی و اقتصادی بود، در غرب، عرصه‌های پیشرفت به سرعت طی می‌شد چنان‌که در قرن نوزدهم میلادی، چه در زمینه داخلی، از جمله؛ علم، صنعت، اقتصاد، سیاست و... و چه به لحاظ کسب قدرت خارجی؛ رشد و پیشرفت چشمگیری یافت.

نابسامانی بسیار و وضع آشفته کشور در این مقطع و در نهایت، آشنایی با غرب و شرایط داخلی کشورهای غربی، زمینه‌های تلاش برای پیشرفت و پیدایش گرایشهایی برای تغییر وضع موجود را سبب شد. مسافرت شماری از ایرانیان به کشورهای غربی، برخورد اقتصادی و فرهنگی با آنها و شکل‌گیری تعاملاتی با این کشورها، آشنایی با زبانهای خارجی و نیز ترجمه آثار مختلفی در زمینه‌های گوناگون و ... از عوامل مهم و تأثیرگذاری بودند که در شکل‌گیری اندیشه‌ها و افکار جدید و ایجاد تردید در شرایط موجود نقش مهم و بسزایی ایفا کردند. بدین ترتیب؛ اندیشه غالب ایجاد تحوّل و پیشرفت، به عرصه‌های مختلفی از جمله؛ ادبیات نیز راه یافت. با پیدایش این تغییرات کلان در اجتماع، پیشگامان و روشنفکران ادبی نیز به لزوم تبدیل مضامین و درونمایه‌های مکرر پیشین به موضوع و محتوایی جدید و مبتنی بر شرایط روز جامعه و همینطور ایجاد قالبهایی تازه‌تر برای این موضوعات جدید پی برده و سعی نمودند تا تحت تأثیر ادبیات کشورهای غربی و بخصوص فرانسه، فضای تازه‌ای در عرصه ادب فارسی پدیدآورند، تا بدین‌وسیله بستری مناسب برای طرح اندیشه‌های نوین و نوظهور عصر جدید فراهم سازند.

براین اساس؛ گاهی، نویسندگان و شاعران - به دلیل تسلط بر زبانهای خارجی - خود مستقیماً به مطالعه این آثار می‌پرداختند. اما بخصوص در سالهای نخستین، عمده‌ترین عامل آشنایی این هنرمندان با پیشرفتهای جهان جدید، اندیشه‌های تازه و قالبهای نوین هنری، روشنفکرانی بودند که به عنوان واسطه میان جوامع غربی و هنرمندان و همچنین عامه مردم، به فعالیت‌های مربوط به ترجمه آثار گوناگون روی آوردند. آثاری که دلایل رشد و پیشرفت جوامع غربی و دغدغه‌ها و اندیشه‌های مسلط آن سرزمین‌ها را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، علم و فناوری و ... به نمایش می‌گذاشتند. بنابراین در ایران این عصر «کوشش برای نوآوری ادبی با تلاش برای ایجاد تحولات و اصلاحات اجتماعی گره خورده است» (سیر رمانتیسیم در ایران، جعفری جزی، 1386: ص 81).

جریان ترجمه

پر واضح است که ترجمه از زبانهای اروپایی، رشد و پیشرفت جریان ادب فارسی را سبب شده است. بطوری که میتوان گفت: «بدون این ترجمه‌ها، آثار ادبی فارسی و نثر قرن بیستم، کلاً به شکل امروزی آن قابل تصوّر نبود» (تاریخ ادبیات ایران، ریپکا: ص 342). اما این نوگرایی و تحوّل، ابتدا در نثر فارسی و سپس در شعر، آشکار گردید؛ زیرا «نثر، برای بیان مقاصد جدید اجتماعی و سیاسی که بیشتر جنبه تحلیلی و علمی داشت، بیش از شعر به کار می‌آمد» (یا مرگ یا تجدّد، آجودانی: ص 156). اما، با وجود تأثیر عمیق «ترجمه» در شکل‌گیری جریانهای نوین ادبی در ایران، در فعالیت‌های مربوط به نقد ادبی، چنان که شایسته بوده‌است، مورد توجه قرار نگرفته است.

از آنجا که شور و جوش همزمان با انقلاب صنعتی و تحولات پس از آن، در عرصه‌های فکری-هنری زمینه‌ساز پیدایش مکتب رمانتیسم در اروپا گردید، به طور طبیعی در ایران نیز جریانهای آغازین ترجمه، توجّه ویژه به "مکتب رمانتیسم" را نشان میدهد که با گفتمان پرشور انقلابی دوره مشروطه نیز بخوبی پیوند می‌یابد. پیروان این مکتب در شاخه‌های مختلف هنری، از جمله؛ موسیقی، نقاشی، شعر و داستان، به طرح و ثبت واقعیت‌های اجتماعی نوینی پرداختند که دستاورد این دوران نوظهور محسوب میشود. جریانی که بعدها (دهه‌سی) نیز به عنوان یکی از جریانهای اصلی شعر نو به بازسازی و تئوریزه کردن خود پرداخت و به شاخه‌ای اصلی از شعر نو تبدیل شد.

یکی از پیشگامان برجسته روشنفکری عصر مشروطه که در عرصه ترجمه و نیز آفرینش آثار مهم ادبی، در این دوره نیز حائز جایگاهی ویژه است، یوسف اعتصامی است که البته متناسب با نقش مؤثرش در گشودن روزنه‌های جدید نگاه به جهان و آفرینش آثار ادبی متأثر از آن، مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته است؛ حال آنکه بسیاری از متفکران در آن زمان، اشعار پروین را به واسطه اعتصام‌الملک میشناختند و به بیانی؛ سایه بزرگ پدر، شناخت مستقل اشعار فرزند را برای برخی افراد تا حدّی غیر ممکن کرده بود، تا آنجا که حتی شماری از متفکران آن عصر، انتساب این اشعار را به پروین رد نموده و طیّ نقدهایی آنها را از آن اعتصام‌الملک و یا گاه دیگرانی (همچون دهخدا) میدانستند. اما به مرور زمان این رویکرد، معکوس گردیده است؛ شاید از آن رو که اعتصام‌الملک رسماً شاعر یا نویسنده به معنای داستان‌نویس نبوده‌است. از سویی نیز با رواج اشعار پروین اعتصامی و اشتهار روزبروز او و کاهش رونق آثار اعتصام‌الملک و قطع نشر آنها در بازار کتاب، دیگر کمتر کسی حتّی در مجامع ادبی با فعالیت‌های این متفکر و ارزش آنها آشنایی دارد و اگر هم شناختی هست، در حدّ آشنایی مختصری است که به واسطه حضور پروین شکل می‌گیرد.

بنابراین پژوهش حاضر، در پی آن است که علاوه بر ارائه تصویری روشن از زندگی، آثار و حوزه فعالیت‌ی این متفکر عصر قاجار و پهلوی اول، تأثیرات مهم این کارها و پیامدهای غیر قابل انکار آنها

را در شکل‌گیری جریانهای مختلف و نیز شکل‌های تازه‌تر ادبیات معاصر نشان دهد. بدین ترتیب، این مقاله با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی آثار اعتصام‌الملک و نقد و تحلیل آنها از این منظر می‌پردازد.

میرزا یوسف اعتصام‌الملک

از جمله متفکران برجسته عصر مشروطه و پهلوی اول، میرزا یوسف اعتصام‌الملک است. کسی که میتوان او را به دلیل حجم گسترده آثار ادبی ترجمه شده، قلم خاص، نوع نگرش ویژه و جریانسازی آگاهانه‌اش، پیشرو ترجمه‌های ادبی عصر جدید دانست. با وجود اینکه تأثیر رویکردهای اندیشمندانه و حجم عظیم آثار روشنفکرانه او، در تغییر جریانهای ادبی و پیدایش گرایشهای رمانتیکی و نیز، نوگرایی در عرصه نثر و شعر فارسی در دوره مشروطه و پس از آن بدیهی به نظر میرسد، اما تا امروز، هرگز در هیچ اثری به طور دقیق و مفصل، به نقش برجسته این روشنفکر جریان‌ساز پرداخته نشده و آثار مهم و خدمات ارزنده وی در عرصه ادبیات و ترجمه از زبانهای مختلف با گذر زمان، مهجور واقع شده و در لابلای تاریخ پرهیاهوی این عصر، آرام آرام به دست فراموشی سپرده شده است.

یوسف اعتصامی گرچه از آغازگران ترجمه در عصر جدید است، نوشته‌ها و تألیفات هم به زبانهای فارسی و عربی دارد. ضمن اینکه ترجمه‌هایی به زبانهای دیگر (از جمله عربی) هم از او در دست است. اما، به دلیل توجه ویژه خود او به ترجمه از زبانهای دیگر به فارسی، این آثار حجم بیشتری از نوشته‌هایش را به خود اختصاص داده‌اند. اما، مسأله درخور توجه این است که تمامی آثار اعتصام‌الملک، چه نمونه‌های ترجمه‌شده به زبانهای مختلف و چه نوشته‌های خود او، همه و همه، حول اندیشه‌های مشخصی شکل گرفته‌اند که نشان‌دهنده نوع نگرش و دغدغه‌های خاص او میباشد. چنانکه پیشتر اشاره شد او که از آغازگران جدی جریان ترجمه در ایران به حساب می‌آید، آثارش به دلیل فضای غالب، بازتاب‌دهنده مکتب رمانتیسم است؛ بویژه رمانتیسیسم فرانسه که به دلایلی چون ارتباط بیشتر ایران و فرانسه از زمان قاجار و نیز فضاهای مشترک و قابل درک آثار ادبی فرانسه برای مخاطبان ایرانی، بسیاری از آثار مختلف منتخب او از نویسندگان رمانتیک فرانسوی دستچین شده‌اند. نویسندگانی چون؛ ویکتور هوگو، روسو، لامارتین و ... و نیز آثار مختلف دیگری که یا خود کاملاً رمانتیک هستند و یا از گرایشهای رمانتیکی برجسته‌ای برخوردارند. در غیر این صورت نیز آثار، شامل مطالبی میشوند که مترجم، با تمام وجود به ضرورت آشنایی با آنها در دوره جدید در حال شکل‌گیری در جامعه پی برده است؛ برای مثال؛ آگاهیهای علمی، تاریخی، آموزشی، فلسفی و گاه یادداشتهای سیاسی که مخاطب را با چگونگی پیشرفت جوامع غربی و تحولات آنها در طول دوره رشد و تغییر آشنا میسازد. به همین دلیل است که ترجمه، یکی از مهمترین ابزارها و عناصر «تشکیل

دهنده تجدّد» در جامعه نوین ایران محسوب میشود (طلیعه تجدّد در شعر فارسی، کریمی حکاک: ص 259).

زندگی

یوسف آشتیانی، در سال 1253 شمسی (برابر با 1291 ه.ق)، در خانواده‌ای سرشناس و صاحب نام، در شهر تبریز متولد گردید. پدر او، میرزا ابراهیم خان آشتیانی اعتصام‌الملک مستوفی، از بزرگان و نجای آشتیان، در همان سنین جوانی «به سمت استیفای آذربایجان به تبریز رفت و تا پایان عمر در آنجا زیست» (از صبا تا نیما، آراین پور: ص 113) و اغلب، «سمت پیشکاری مالیّه ولایات آذربایجان» را برعهده داشت. میرزا یوسف خان نیز که در زمان پدر، به لقب «اعتصام‌دفتر»ی منسوب بود، پس از فوت او به عنوان «اعتصام‌الملک» ملقب گردید (رجال عصر مشروطیت، علوی: ص 25).

او دوره کودکی خویش را، در «مهد تربیت پدر والاگهر و معلّمین منتخب» به تحصیل علم پرداخت و پس از اتمام این دوره نیز تا پایان عمر در تکمیل علم و کسب آداب و فضایل و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و آفرینش آثار گوناگون ادبی و ... به سختی تلاش نمود. وی از همین سنین کودکی، علوم ادبی عرب، فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت قدیم را به نیکویی آموخت و خطوط چهارگانه نستعلیق، نسخ، شکسته و سیاق را در سطحی عالی مینوشت، سپس از «علوم حدیثه» بهره‌هایی برد. تقریباً بیست ساله بود که «نخستین مطبعه حروفی تبریز» را دایر نموده و بدین ترتیب؛ مشکلات چاپ بسیاری از نویسندگان را در آن زمان حل کرد. علاوه بر این، آشنایی عمیق او با زبانهای مختلفی از قبیل؛ ترکی اسلامبولی و بخصوص زبان و ادبیات فرانسه و عربی، او را به مترجمی بزرگ و بی‌نظیر در عصر خویش، تبدیل نمود (تاریخچه زندگانی پدر شاعر، دهخدا: ص 164).

سرانجام، وی پس از یک عمر فعالیت ماندگار، در دی ماه سال 1316 ه.ش (معادل 29 شوال 1356 ه.ق)، در تهران، زندگی را بدرود گفت.

فعالیتها

بطور کلی، اعتصام‌الملک در طول حیات خویش، به دو نوع فعالیت عمده اشتغال داشت:

1- فعالیت‌های ادبی و بخصوص ترجمه

وی بدلیل علاقه فراوانی که به فعالیت‌های فرهنگی، ترجمه و تألیف داشت، بیشتر مدت عمر خویش را در عزلت و گوشه‌نشینی، به اینگونه کارها پرداخت. او که از چهره‌های مشهور زمان خویش محسوب میشده و در شمار روشنفکران عصر بود، به انتشار مجله روی آورد و به ویژه ترجمه از زبانهای عربی و فرانسه را در دستور کار خویش قرارداد.

2- فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

اعتصام‌الملک، تنها در دوره دوم مجلس شورا، مدتی را به عنوان نماینده، به فعالیت پرداخته و علاوه بر این در سالهای پایانی عمر خویش، به ریاست کتابخانه مجلس و عضویت در کمیون معارف منصوب شد.

با وجود اینکه وی، بخش عمده زندگی خویش را صرف امور علمی و ادبی نموده‌است و بخصوص با ترجمه آثار گوناگون، نگارش کتاب، تلاش برای انتشار نخستین مجله ادبی ایران با مطالبی غنی، بروز و کارآمد در آن عصر، تأثیر عمیق و مهمی در شکل‌گیری جریانهای ادبی روز و آثار نویسندگان و شاعران مختلف ایفا نمود، اما چندان به این نوع از فعالیت‌های او پرداخته نشده است. چهره‌ای که از اعتصام‌الملک در آثار پژوهشی و تاریخی مختلف دیده میشود، بیش از آنکه نشانگر شخصیتی ادیب و روشنفکر باشد، او را به عنوان فعالی سیاسی و اجتماعی معرفی مینماید و نویسندگان، تنها به اشاره‌ای گذرا به کارهای علمی او بسنده کرده‌اند. این درحالی است که میزان فعالیت‌های ادبی وی به مراتب بیشتر و تأثیرگذارتر از کارهای سیاسی و اجتماعی اوست. گرچه، ترجمه‌های ادبی و تألیفات علمی او نیز اغلب رنگ و بویی از نگرشهای سیاسی و اجتماعی دارد و از دغدغه‌های اینچنینی خالی نیست، اما او را باید بیش از هر چیز، از سرشاخه‌های حقیقی مؤثر در تغییرات، نوآوریها و گرایشهای نوین شعر و ادب ایران در یکصد سال اخیر دانست.

آثار یوسف اعتصامی

از آنجا که آثار هر نویسنده‌ای همچون آینه‌ای است که در برابر شخصیت، افکار و اندیشه‌های او قرار گرفته و با بررسی آنها میتوان تا حد زیادی به تفکرات و دغدغه‌های ذهنی آفریننده اثر پی برد، بنابراین؛ در این بخش، معرفی اجمالی آثار برجسته یوسف اعتصام‌الملک، حدود مضامین و درونمایه‌ها، قالب و موضوع آنها ضروری به نظر میرسد؛ اما پیش از آن، نکته مهمی هست که اشاره بدان حائز اهمیت بسیاری است: یگانگی و یا نزدیکی درونمایه در آثار مختلف اعتصام‌الملک، که حتی موضوعات متفاوتی دارند بخوبی نشان میدهد که او، طی یک نوع عمل آگاهانه و با شیوه‌ای هدفمند، به انتخاب هوشیارانه متون و ترجمه آنها پرداخته‌است. به‌گونه‌ای که همه ترجمه‌های این نویسنده و نیز آثار تألیفیش نشاندهنده دغدغه‌های ذهنی، نوع تفکرات فردی، اجتماعی، سیاسی و مواضع و رویکردهای ادبی او میباشد.

1- نشریه بهار:

پس از انقلاب مشروطه، در بهار سال 1923 م (1328ه.ق)، نشریه «ادبی، هنری، علمی» ارزشمندی، به سرپرستی یوسف اعتصامی در عرصه مطبوعات ایران پدید آمد. او، که اکثر مطالب مجله خویش را به تنهایی مینوشت، طی دو دوره به انتشار آن پرداخت. این نشریه که موضوعات و مضامین

متعدد و متنوعی از قبیل؛ «علمی، ادبی، فلسفی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی» را شامل میشود، در دوره دوم غلبه بیشتر مضامین ادبی را نشان میدهد. دوره دوم این نشریه، با فاصله ده سال از دوره نخست آن و با حجمی غنی از نوشته‌های ادبی و بخصوص ادبیات خارج از ایران، در اختیار مخاطبان قرار گرفت و به لحاظ شمول موضوعات و مضامین و سبک و سیاق مجله، دقیقاً پیرو همان دوره قبلی محسوب میشود.

اعتصام‌الملک، در بخشهای ادبی مجله خویش، به انتشار داستانهای کوتاه، نمایشنامه و رمانهای غربی، داستانهای تاریخی و... میپردازد. در کنار اینها، قطعاتی نیز از برخی نویسندگان و شاعران از جمله؛ پروین اعتصامی، حیدرعلی کمالی، دهخدا و ... منتشر میسازد.

گرچه این مجله تنها به «ادبیات» نمیپردازد، اما نخستین نشریه ادبی منتشر شده در ایران به حساب می‌آید که از بسیاری جهات پیشرو مجله‌های ادبی پس از خود محسوب میگردد. از جمله؛ نشریه «دانشکده» که در فاصله میان دو دوره مجله بهار اعتصام‌الملک منتشر گردید. محمدتقی بهار در سال 1922م و تحت تأثیر مجله میرزا یوسف اعتصامی، با نگرشی نو در نشریه دانشکده به انتشار آثار روز ادب ایران و جهان و طرح مسائلی در عالم ادبیات پرداخت. او خود در شماره 11-12 مجله دانشکده در اینباره میگوید:

«مجله ما در عالم فضیلت و تقدّم، مرهون بهار، اثر فاضل دانشمند اعتصام‌الملک است که گذشته از منفرد بودن مجله مزبور در محیط تقدّم، یک دریچه مخصوص از بوستان ادب جدید به روی عالم ایرانیّت گشود و مثل هر گل نوری که قبل از فصل بهار بشکفتد، فقط خبر روح‌بخشی از وصول فروردین داده...» (یک سال تمام، بهار: ص 3).

وی که از پیشروان تجدد در ایران به شمار میرود، در مجله‌اش نیز، با آگاهی و نگرشی تازه به موضوعاتی جدید روی می‌آورد که پیش از این در ادبیات غنی و کهن ایران دیده نشده است. مضامین و اندیشه‌هایی که رنگ و بویی از تجدد و نوآوری دارند. بر این اساس، مجله بهار «تا مرز سنت شکنی فرا میرود» و به «نشر معارف جدید» میپردازد (تجدد ادبی در دوره مشروطه، آژند: صص 298-299).

2- قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب:

او هنوز بیست ساله نشده بود که به نگارش این کتاب به زبان عربی پرداخت. اثری که طی مدتی کوتاه، در زمره کتب درسی مصریان قرار گرفت. اعتصام‌الملک، در این رساله به شرح صد مقاله از محمد بن عمر زمخشری (538-467ه.ق) پرداخت که با موضوع اخلاق اسلامی، شامل مضامین حکمی، اخلاقی، پند و نصیحت و ... است.

3- ثوره‌الهند، أو، المراه الصابره:

این اثر، روایتی تاریخی - ادبی است که اعتصام‌الملک آن را از زبان فارسی به عربی برگردانده است. اصل کتاب، «سرگذشت مسترس هورتست» (بانوی انگلیسی) نام دارد، که در قرن نوزدهم و توسط فیلیکس مینارد، در قالب داستان تاریخی نوشته شده است. این اثر داستانی، که به «اوضاع اجتماعی» می‌پردازد سفرنامه زنی است به سرزمین هندوستان. این ترجمه برای نخستین بار، در سال 1318ه.ق و توسط مطبعه «الهلال» در مصر، به چاپ رسیده است و پس از انتشار، نظر بسیاری را بخصوص در محافل ادبی آن عصر، به خود جلب نمود؛ تا جایی که برخی از «ادبای ساحل نیل» بر آن «تقاریظ غراً نگاشته‌اند» (تاریخچه زندگانی پدر شاعر، دهخدا:ص 165).

4- تربیت نسوان:

ترجمه فارسی فصلی چند از کتابی است به نام «تحریر‌المراه» از نویسنده‌ای عرب زبان که در سال 1318ه.ق و در تبریز به چاپ رسیده است. این کتاب همانگونه که از نامش پیداست شامل موضوعات مربوط به زنان میشود. از تعلیم و تربیت گرفته تا لزوم کسب دانش، آزادی و حقوق آنان در اجتماع و ...

مباحث و موضوعاتی تازه، که طرح آنها در جامعه آن روز ایران، بی‌سابقه بوده است و بنابراین؛ هیاهوی بسیاری در میان مردم و حتی مجامع روشنفکری به دنبال داشت. بر این اساس؛ شاید بتوان اعتصام‌الملک را، نخستین کسی دانست که به صورتی جدی و با نگاهی تازه، به وضع زنان در جامعه امروز ایران پرداخته و لزوم تعدیل مقررات موجود و تغییر شرایط حاکم را، یادآور شده است. به همین دلیل، بسیاری از محققان، انتشار چنین کتابی را در میان جمع متعصب مردمان تبریز آن روز، «از نوادر شجاعت‌های ادبی» دانسته‌اند. چیزی «همسنگ صلاهی قولو لا اله الا الله تفلحوا در جبل حراً و ابرام در حرکت کره ارض در مجمع انکیزیتورهای نصاری...» (همان: ص 165).

اعتصام‌الملک، این کتاب را طی "هشت فصل" اصلی، ترجمه و تدوین نموده است تا مسائل مختلف مربوط به زنان را بخصوص در این جهان جدید، با دقت و تمرکز بیشتری طرح نموده، مورد نقد و بررسی قرار دهد:

فصل 1- حالت زنان در هیئت اجتماعی بشریّه

فصل 2- تربیت زنان و ماهیت ایشان

فصل 3- معایب جهالت نسوان

فصل 4- وجوب تعلیم و تعلّم نسوان

فصل 5- در حدود "تربیت" و پرستاری از اطفال

فصل 6- در عدم توافق تعلیم و تعلّم با فساد اخلاق

فصل 7- در ارتباط نسوان با امت

فصل 8- در زواج و معایب تعدّد زوجات.

همانطور که ملاحظه میشود، نویسنده در این کتاب، بگونه‌ای مفصل و طی فصول متعدّد به مسائل و مشکلات زنان میپردازد و "دانش و تربیت" را به عنوان کلیدهای «حیات جاودانی و وسیله سعادت این جهان و آن جهانی» (تربیت نسوان، اعتصامی: مقدمه) مورد توجه قرار میدهد.

او با ترجمه این کتاب، خواهان نگاهی دیگرگونه به زنان به عنوان نیمی از جمعیت بشری است که در مقایسه با نیمه دیگر و اغلب از سوی آنها، در تمام طول تاریخ زندگی بشری، مورد ستم واقع شده‌است. بر این اساس وی با انتشار این کتاب، احیای حقوق از دست رفته نسوان و بهبود وضعیت آنها از دیدگاههای مختلف را راهی میداند که لازمه پیشرفت و ترقی جامعه در این دنیای جدید است، تا جایی که چشم پوشیدن از این قشر، عدم توجه به آموزش، تربیت و تعلیم، نقشها و حقوق اجتماعی و خانوادگی آنها به عنوان یک انسان، بطور کلی افول جامعه، اخلاق و انسانیت را در پی خواهدداشت؛ زیرا آنها هستند که به عنوان یک "مادر"، عامل اصلی "اعتلا" و یا "زوال" نسل بشری محسوب میشوند. به همین دلیل است که مؤلف در آغاز مقدمه اثر، با اشاره به اینکه هرگز نمیتوان در این کتاب «چنانکه شاید، مکانت نسوان را در وجود انسانی بنماید» در طرح هدف نگارش آن میگوید: «نهایت آرزویم این است که افکار دانشمندان را متوجه مطلبی مهم سازم که تاکنون کمتر کسی در آن باب رأی زده‌است» (همان: ص 1).

اما نکته دیگری که در اینباره از اهمّیت بسیاری برخوردار میباشد این است که در این اثر، مسائل مختلفی که پیرامون زنان و مشکلات آنها دیده‌میشود، با تکیه بر قوانین و اصول اسلامی طرح شده‌است؛ به‌بیانی، اگرچه بنیان دیدگاههای طرح شده در این اثر، بر پایه دستاوردهای جدید علمی و تغییرات جهان امروز و بخصوص تحت تأثیر مجامع غربی و نگرشهای تازه روشنفکران و پیشروان تحوّل در آن کشورها شکل گرفته‌است اما تمامی این نظرات، در جای جای کتاب با دیدگاههای دینی نویسنده تعدیل شده و شکل و قالب متفاوتی یافته‌است تا با هنجارهای موجود در یک کشور اسلامی مغایرتی نداشته‌باشد و این مسأله بخصوص به دلیل پیشرو بودن اثر در این زمینه، اهمّیت بسیاری دارد و در نهایت سبب میشود که از سوی اجتماع معتقد، سنتی و پایبند شرقی، هرچه بهتر و راحت‌تر پذیرفته‌شود:

«هرگاه تربیت نسوان، موافق اصول دین قدیم و قواعد محکمه ادب و شرایط حجاب مراعات شود، شاهد مقصود چهره نماید، آن همه تلخی برود و روزگار چون شکر آید» (همان: ص 14).

5- خدعه و عشق:

ترجمه نمایش‌نامه‌ای است از شیلر، نمایشنامه نویس مطرح آلمانی که در سال 1325 ه.ق و در تهران به چاپ رسیده است. تئاتری مشتمل بر پنج فصل و نه پرده، که اعتصام‌الملک آن را نه از روی نسخه اصلی، که از روی ترجمه فرانسه آن به قلم الکساندر دوما، به فارسی برگردانده است. او در مقدمه‌ای که بر ترجمه روان این اثر نگاشته است، با اشاره به اینکه کتاب مزبور، متضمن «وقایع حسّی» است و حاوی «مقاصد بلند و وقایع ارجمند»، درباره موضوع آن میگوید: «شیلر در این تئاتر، خواننده را به مکارم اخلاق و محامد صفات ترغیب مینماید، عفت و عصمت و پاکدامنی نسوان را تمجید و نادانی آنها را تقبیح میکند. شناعت آداب ذمیمه حسد و نفاق و تزویر را به نیکوترین وجهی نشان میدهد و... میگوید: مرد آن است که از آرایش خواهشهای نفسانی، پاک و منزّه باشد و در حفظ ناموس و شرف خویش بکوشد و از مجازات خیانت و کیفر کردار بد بترسد». بعد از این، وی به روشنی از ضرورت ترجمه این اثر سخن گفته و دلیل آن را اینطور شرح میدهد که: «در این عصر جدید و دوره سعادت و ترقی مملکت بیش از هر چیز به تهذیب اخلاق احتیاج داریم...» (خدعه و عشق، اعتصامی: ص 3-1).

این نظریه نشاندهنده این است که او به خوبی به ویژگیهای دوره گذار، بویژه گذار از سنت به مدرنیته، واقف بوده است و در کشوری که هنوز نهادهای اجتماعی بازدارنده شکل نگرفته، اخلاق فردی است که باید در روزگار فروریزی ارزشهای پیشین، نقش بازدارندگی از فروپاشی ارزشهای اخلاقی را ایفا کند. این اثر از دو جهت تازگی دارد و در فضای ادبی ایران، پدیده‌ای نوظهور محسوب میشود: یکی از نظر ساختار؛ چارچوبی که نویسنده، برای تعریف کردن این داستان برگزیده است "نمایشنامه" است. اگرچه این قالب، در جوامع غربی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و مردم آن ممالک از زمانهای کهن با این نوع آثار آشنایی دارند اما در ایران، پدیده‌ای نوین محسوب میگردد. بدین ترتیب، "خدعه و عشق" شیلر با ترجمه روان و جذابش از نخستین آثار ترجمه شده در این نوع ادبی محسوب میشود.

دیگر از نظر درونمایه. این ماجرا، با محوریت تقابل دو خانواده غنی و فقیر بر مبنای توصیف جامعه دو قطبی و نقد این ساختار کهن اجتماعی به صورت غیرمستقیم، شکل گرفته است. اندیشه‌ای نوظهور که به تازگی و با آغاز دوران جدید در ایران، از میان رویکردهای روشنفکران و تحت‌تأثیر آشنایی با جوامع غربی رخ نموده است.

اما علاوه بر این اندیشه اجتماعی که کلیت داستان بر مبنای آن قرار گرفته است، آن چیزی که شعار اثر و به عبارتی پیام مستقیمتر آن میباشد، "اخلاق" است و اهمیت نظام خانواده در شکل‌گیری صحیح اخلاقیات و رواج آن در تمام جامعه برای دستیابی به سعادت.

اندیشه‌هایی که بارها و بارها در آثار مختلف ترجمه شده و تألیفی اعتصام‌الملک و بخصوص در نوشته‌های گوناگون و پرباری که در دو دوره نشریه بهار به چاپ رسیده است هم دیده می‌شود. بنابراین، ترجمه این اثر، مجالی تازه است برای طرح دیگر بار دغدغه‌های اخلاقی و اندیشه‌های اجتماعی مترجم در صورتی متفاوت و تقریباً غیر متعارف در مقایسه با سایر آثار.

6- تیره بختان

اعتصام‌الملک، این کتاب را احتمالاً از روی «ترجمه عربی البوساء یا ترجمه ترکی سفیلر و یا هردو» (از صبا تا نیما، آرین پور: ص 113-114) ترجمه نموده و به مخاطبان فارسی زبان خود ارائه کرده است. ترجمه دو جلد نخست از کتاب «les misérables» از ویکتور هوگو، که بعدها بارها به دست مترجمان مختلف ترجمه شده، به نام «بینوایان» در ایران انتشار یافته و مشهور گشت.

گسترده‌گی این کتاب و حجم عظیم آن نیز سبب می‌شود که اندیشه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و... در فصلهای گوناگون آن فرصت بروز و ظهور بیابد.

همانطور که از نام کتاب پیداست، تکیه اصلی آن بر روی وضع طبقه‌های محروم و نیازمند جامعه است. نویسنده در این اثر با استفاده از لحنی عاطفی و بیانی غمبار، به توصیف دقیق و جزء به جزء شرایط این اقشار ضعیف و متوسط می‌پردازد و بدین ترتیب، ضرورت رسیدگی به وضعیت آنها را بویژه در جوامع شهری نوظهور یادآور می‌شود.

محوریت مضمونی اثر نیز که مشتمل بر مضامین مختلفی است و به بسیاری از مسائل اجتماعی اشاره میکند، بر اختلاف طبقاتی و فاصله میان غنی و فقیر، وضع بیچارگان، مظالم قوانین بشر و بیعدالتیهای اجتماعی ناشی از آن و نکات اخلاقی مهمی قرار گرفته است که در سطح وسیعی مبتلا به جوامع بورژوازی نوظهور است. اعتصامی خود در اینباره می‌گوید: «از جهت همین اهمیت فلسفی و ادبی و اجتماعی، میزرا بل را به فارسی ترجمه کرده، دردسترس عشاق حکمت و ادب و دوستداران تهذیب و تربیت گذاشتم» (تیره بختان، اعتصامی: 3ص).

بر این اساس، هماهنگی میان رویکردهای خاص یوسف اعتصامی و مضامین طرح شده در این کتاب، سبب شده است تا انگیزه ترجمه آن، بر وی غلبه یابد و در نتیجه برای نخستین بار، این کتاب برجسته مکتب رمانتیسیم فرانسه با بیانی روان و زبانی ساده به خوانندگان فارسی زبان معرفی شود. این کتاب، از سوی مخاطبان ایرانی با چنان استقبالی مواجه شده است که با مرور زمان، ترجمه‌های گوناگونی از آن صورت گرفته و در سالهای مختلف، با نامهایی متفاوت به بازار کتاب، عرضه شده است.

7- سفینه غواصه:

کتابی است از ژول ورن، که در شمار رمانهای علمی - تخیلی است و به دست یوسف اعتصامی ترجمه شده و در سال 1326 ه.ق منتشر گردید.

8- سیاحتنامه فیثاغورث در ایران با یک گراور:

ترجمه نه فصل (فصول 110-102) از سفرنامه‌ای تخیلی - افسانه‌ای است، که در آن فیثاغورث خیالی، به دوره‌ای از تاریخ ایران، یعنی عصر زرتشت سفر مینماید. این کتاب که چهاردهمین اثر از دوره نشریات کمیسیون معارف است و با بودجه دولتی و در چاپخانه مجلس به طبع رسیده است، گزیده‌ای است از کتابی مفصل به نام «سفرنامه فیثاغورث در مصر، کده، هند، کِرت، اسپارت، صقیله، رم، کارتاژ، ماری، گل و قوانین سیاسی و اخلاقی وی»، که نویسنده تنها بخش‌هایی از آن را که به تاریخ ایران میپردازد، ترجمه نموده است. مترجم، دربارهٔ اینکه چرا نویسنده، این سفرنامه افسانه‌ای را به فیثاغورث منسوب داشته است میگوید: «این کتاب از آن روی به نام فیثاغورث حکیم تألیف شده است تا دقت خوانندگان را جلب کند و اهتمام دانشمندان و ارباب اطلاع را به خود متوجه سازد» (سفرنامه فیثاغورث، اعتصامی: د).

سیاحتنامه فیثاغورث اعتصام‌الملک، نوعی سفرنامه منشور است که حوادث آن در جهانی خیالی رخ میدهد. اگرچه گستره زمانی ماجراهای این کتاب، ایران باستان را شامل میشود و اغلب حوادث آن در عصر هخامنشی و دورهٔ بر تخت نشستن و سلطنت داریوش رخ میدهد، اما در حقیقت چنین حوادثی رخ نداده و آن چه توصیف میشود، از قوهٔ تخیل نویسنده اثر برآمده است. با آنکه سفرنامه نویسی، در تاریخ ایران سابقهٔ دور و درازی دارد و از قرون اولیه نثر فارسی نیز متونی در این قالب باقی مانده است اما در دورهٔ قاجار، شکل دیگری به خود گرفتند و آرام آرام، با تحولاتی مواجه شدند.

بطور کلی موضوع و بافت سفرنامه، نوعی ساختار روایتگونه و داستان‌وار را طلب میکند. در اوایل دوره قاجار که در اثر افزایش سفرهای خارجی بخصوص به مجامع غربی، سفرنامه‌هایی نوشته شد و شمار بسیاری از سفرنامه‌های آن سرزمین‌ها به ترجمه درآمد، اغلب آنها از نوع روایتی گزارشی و با بیانی اندک پیچیده و معلق و تحت تأثیر زبان عربی نوشته شده‌اند اما هرچه از آغاز پیدایش نوین این رویکرد فاصله بگیریم، آثاری دیده میشود که با نمونه‌های ابتدایی، تفاوتی دارد. به داستان نزدیکتر شده و به شیوه روایی به نگارش درآمده است. علاوه بر این، ذکر جزئیات در توصیف مسائل مختلف و طرح دیدگاههای شخصی تر در این سفرنامه‌ها رواج بیشتری می‌یابد.

رونق جریان تجدد و فردگرایی در ایران عصر جدید که تحت تأثیر جوامع مدرن غربی پدید آمده بود، خود از جمله عوامل «درک ضرورت ضبط و حفظ احوال زندگی هر روزه است».

با اهمیت یافتن اجتماع و زندگی روزمره و برجسته‌شدن "فرد" به عنوان عنصری مهم در جهان‌بینی جدید، "خاطره‌نویسی" نیز به «عنوان روایت مکتوب فردگرایانه از زندگی اهمیتی نو می‌یابد» (از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی، رضوانیان: نصوص 133-134).

سفرنامه هم به عنوان نوعی از خاطره‌نویسی که برهه‌ای از زندگی روزمره فرد را شامل می‌شود، با شیوه‌های جدید، رواج یافته و به بیانی، به «سبک سنت در دوره مدرن» (همان: ص 135) بدل می‌شود. اعتصام‌الملک با ترجمه این نوشته که در آن «مؤلف، همانند نقاشی ماهر، پرده‌ای از نقوش و تصاویر حوادث ساخته، مسائل تاریخ و شناسایی عادات و اخلاق و چگونگی علم و معرفت گذشتگان را به اسلوب زیبا و دلپذیر در این کتاب عرضه داشته‌است» (سفرنامه فیثاغورث، اعتصامی: ۵) و پناه‌بردن به این جهان خیالی در زمانهای گذشته، به انتقاد از عصر خود می‌پردازد. در این کتاب، اوضاع حکومتی به انتقاد کشیده می‌شود و وضع اجتماع و بخصوص مردم فرودست جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و مسافر خیالی داستان (فیثاغورث) نیز با تکیه بر اخلاق و حکمت، به ضرورت حاکمیت آزادی و تلاش برای دستیابی جامعه به سعادت اشاره مینماید.

بنابراین ترجمه بخشی از این سفرنامه مفصل خیالی، این فرصت را در اختیار اعتصامی قرار می‌دهد تا بار دیگر، اندیشه‌ها و دغدغه‌های مختلف خویش را در قالبی جدید و متفاوت عرضه نماید و هرچه بهتر و با آزادی بیشتر به انتقاد غیرمستقیم از جامعه و حکومت وقت بپردازد، بدون آنکه دردسر و یا خطری او را تهدید نماید.

گرچه، "سیاحتنامه فیثاغورث" نخستین نمونه سفرنامه عصر قاجار نبود، اما از نظر نوع روایت، جزء اولین آثار سفرنامه‌ای است که از بافت گزارشی رایج تا حد بسیار زیادی فاصله گرفته و با زبانی داستان‌گونه روایت می‌شود.

با توجه به اینکه در تاریخ ادبیات چه در اروپا و چه ایران، سفرنامه راهی به سوی داستان گشوده است و به بیانی ادبیات داستانی از دل شیوه و اسلوب سفرنامه‌نویسی و به تبع آن پدید آمده‌است، کتاب اعتصام‌الملک، به عنوان اثری جدید با روایتی نزدیک به داستان، در کنار دیگر آثار ترجمه شده از داستانها و رمانهای غربی به پیدایش و رشد جریان داستان‌نویسی نیز کمک مینماید.

9- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی:

او در مدت حضورش در کتابخانه مجلس، فهرستی از نسخ خطی این کتابخانه تهیه نموده و به یادگار گذاشته است.

این چند نمونه نام برده، مهم‌ترین آثار منتشر شده یوسف اعتصامی است که در زمانی به طبع رسیده‌اند. علاوه بر اینها، او آثار دیگری نیز با موضوعات و مضامین متفاوتی دارد که در جاهای

گوناگون بدانها اشاره شده است اما چاپ نشده و دسترسی بدانها امکانپذیر نمیباشد. از جمله؛ ترجمه حال تولستوی، هانری چهارم، معاشقه ناپلئون اول، سقوط ناپلئون سیم، عشق جوانی، مقالات آمریکایی، هانری هشتم و ملکه ششم، کنت دومنتگمری، کولونل ژیرار، طبیعت فقرا، کاترین هوارد، تولیپ سزار (لاله سیاه)، روکامبول و... که البته مختصری از آنها را در شماره‌های مختلف نشریه خویش به چاپ رسانده است و مخاطبان آثارش نمونه‌هایی از این متون را در این نشریه وزین مطالعه نموده‌اند.

اکنون، لازم است به بررسی برخی از ویژگی‌های ادبی آثار او پرداخته و با شرح نوگراییهایی او، پیشگامیش را در عرصه‌های گوناگون و شکلگیری جریانهای نوپدید نشان داد.

نوآوری و جریان آفرینی

فعالیت‌های گوناگون اعتصام‌الملک در عرصه‌های مختلف، او را جزء پیشگامان چندین عرصه ادبی قرار داده‌است.

مجله بهار، نخستین نشریه‌ای است که بخصوص با غلبه جنبه ادبی، به شیوه و سبک نشریات اروپایی و «تحت نفوذ فرهنگ فرانسوی» منتشر شده‌است. این تأثیرپذیری تا حدی است که حتی نام آثار ترجمه‌شده، درطول دوره انتشار هر دو مجموعه، به زبان فارسی و فرانسوی نوشته می‌شود. این مجله، بعدها به عنوان الگویی برجسته برای پیروان این حرفه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا «نه به لحاظ قدمت»، بلکه به دلیل فراوانی نوشته‌های ادبی، غنای محتوایی و «از لحاظ نفوذی که داشت» جزء نخستین نشریات ایرانی، در حوزه‌های تخصصی ادب فارسی محسوب می‌شود (پیدایش رمان فارسی، بالایی: ص 32).

علاوه بر این، پیشگامی این روشنفکر عصر مشروطه، در زمینه آشنایی ایرانیان با مکتب رمانتیسیم و آثار مختلف آن غیر قابل انکار است. او با ترجمه آثار گوناگون چه به صورت مستقل و چه در شماره‌های مختلف نشریه‌اش، زمینه‌های آشنایی هرچه بیشتر متفکران و هنرمندان عصر خویش را با این مکتب ادبی، قالب‌های مختلف جدید و همین‌طور درونمایه‌های نوظهور جهان جدید آشنا ساخت. وی، «بدون اینکه شعار تجدد بلند کند، در عمل بر نوظلمی و نوجویی مبادرت می‌ورزد» و در نوشته‌های مختلف خویش با دیدی روشن و هوشیارانه «به معارف جدید جهانی روی می‌آورد و ... اگر هم از منابع و ادب کهن بهره می‌گیرد، در طنین کلام آن نوجویی و نوآوری، حس می‌شود» (تجدد ادبی در دوره مشروطه، آژند: ص 297-299).

او، نخستین کسی است که ترجمه بینوایان ویکتور هوگو را به فارسی منتشر نموده و قسمت‌هایی از آن را نیز که با گرایشهای محتوایی نشریه‌اش همخوانی بیشتری دارد، در مجله چاپ نموده است.

ترجمه رمان بینوایان و نیز پل و وبرژینی در بین محافل ادبی آن زمان رواج بسیاری می‌یابد و جریان‌هایی را نیز در پی خویش پدید می‌آورد، بطوریکه؛ «در حدود سالهای 1310، ترجمه‌های مجددی از آن صورت می‌پذیرد» (پیدایش رمان فارسی، بالایی: ص 72).

دیگر مضمونی که با ترجمه آثار رمانتیسیم، به جریان‌های ادبی پس از این راه یافت، نحوه بخصوصی از روایت‌های عشقی است با ماجراهای عجیب و گاه غمناک ویژه این نوع نگارش و نیز ماجراجویی‌هایی که حجم در خور توجهی از ترجمه‌های اعتصام‌الملک را نیز به خود اختصاص داده است و «این جهت‌گیری تازه پس از فاصله زمانی ده یا بیست سال، در خلق آثار رمانی عصر رضا شاه به خوبی احساس میشود» (همان).

علاوه بر ترجمه رمان‌های اروپایی و قطعه‌های داستانی رمانتیک و پراحساس، نمایش‌نامه، رمان‌های تاریخی، داستان‌های کوتاه، شعر منثور و مقالاتی در حوزه نقد ادبی و ... از جمله قالب‌های نوینی محسوب میشوند که میتوان گفت برای نخستین بار در این دوره و به دست اعتصام‌الملک، در سطحی گسترده به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. کارهایی که در تحول ادبیات ایران و شکل‌گیری جریان‌های تازه، نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند.

ترجمه نوشته‌ها و مقالات علمی (همچون آثار ژول ورن)، یادداشت‌ها و رمان‌های تاریخی (نظیر آثار الکساندر دوما) و نیز سرنوشت و زندگینامه شماری از روشنفکران و دانشمندان اروپایی (همچون تولستوی، وولتر، روسو و...) نیز در آثار او فراوان یافت میشود. به طور کلی، در ترجمه‌های آغازین، توجه به متون تاریخی و علمی رواج بسیاری داشت. زیرا؛ آثار علمی را واسطه‌ای برای آشنایی بیشتر با دلایل رشد فناوری و صنعت در غرب میدانستند و آثار تاریخی نیز ضمن اینکه بستری برای شناخت چگونگی تحولات این جوامع در طول زمان محسوب میشود، به دلیل «شبهاتی که با داستان‌های کهن ایرانی داشتند و به خاطر صبغه اجتماعی‌شان، انتخاب مناسبی برای آغاز آشنایی ایرانیان با داستان‌های غربی بودند» (سیر رمانتیسیم در ایران جعفری‌جزی: ص 36). رویکرد تاریخی اعتصام‌الملک نیز بیش از هر چیز به «تاریخ غرب» است و بدین ترتیب به گزینش مطالبی می‌پردازد که «برای تربیت اذهان و بیداری مردمان اهمیتی درخور دارد» (تجدد ادبی در دوره مشروطه، آژند: ص 299). ترجمه همین رمان‌ها، در کنار عوامل اجتماعی و تحولات فرهنگی دیگر بود که در دوره‌های بعد، زمینه مناسبی برای تکوین نخستین آثار داستانی جدید بوجود آوردند.

مضامین تازه

آنطور که از آثار اعتصام‌الملک بر می‌آید، وضعیت اجتماعی، سیاسی و اخلاقی جامعه، از جمله مهمترین دغدغه‌های همواره او محسوب میگردد. وی، با نگاهی عمیق، به مسائل مربوط به سیاست

میپردازد. رقابت روس و انگلیس در آسیا، بیداری مشرق زمین و سیر ترقی ممالک اروپایی، وضع حاکمیت و تسلط در این جوامع و نیز اوضاع فضاقت‌بار سیاسی و حکومتی ایران و ... از جمله موضوعات سیاسی مورد توجه اوست.

مسائلی از قبیل استقلال و برابری، وظیفه اجتماعی، کار و تلاش، کمک به هم‌نوع، تعلیم و تربیت اطفال و لزوم کسب علم و دانش، تأسیس مدارس، آزادی اجتماعی، حریت مطبوعات و قلم، لزوم توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله؛ زنان و اطفال، اختلاف طبقاتی، بی‌عدالتی و ضرورت ایجاد برابری و مساوات و ... از جمله مضامین رایج آثار اوست. وی با دقت نظر، به شکافتن و شرح مسائل اجتماعی میپردازد و با بینشی فراگیر، حتی مشکلات کوچک مملکتی و اخلاقی جامعه را مغفول نمیگذارد. موضوعات و اندیشه‌هایی که بعدها، در دوره اوج جنبش مشروطه، بخش اعظمی از درونمایه‌های آثار مختلف شعر و نثر را به خود اختصاص میدهد.

توجه به طبقات فرودست و ادبیات کارگری، از جمله اندیشه‌های سوسیالیستی غربی است، که در این دوره تحت تأثیر آشنایی با فرهنگ و مدنیت غربی به آثار اعتصام‌الملک و سایر مترجمان راه یافته و بعدها به عنوان درونمایه‌ای کلان در ادبیات عصر مشروطه، رونق یافته و در نهایت، در شعرهای کارگری ابوالقاسم لاهوتی، به عنوان «رساترین صدای کارگری» (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص 38) به اوج خود میرسد.

مسائل مربوط به وضعیت زنان در جامعه امروزی، برای نخستین بار در عصر مبارزات مشروطه خواهان مطرح میشود و بعدها در عصر رضاشاهی فراگیرتر شده و تا زمان حال ادامه می‌یابد. لزوم برابری اجتماعی و توجه به اقشار فرودست جامعه، از جمله مسائل برجسته‌ای است که در این عصر به مباحث اصلی مجامع روشنفکری بدل میشود. بدین ترتیب زنان نیز به عنوان قشر ضعیفی از تاریخ جامعه ایران مورد توجه قرار میگیرند. مسئله حجاب، موضوع آزادی زنان، تعلیم و تربیت نسوان، اعتقاد برابری زن و مرد و نیز حقوق اجتماعی زن و ... از جمله مضامینی است که برای بار نخست، توسط اعتصام‌الملک مطرح گردیده است. او سالها پیش از عمومی شدن بحث زنان، مسائل مربوط به این قشر را با نگرشی باز و اقدامی شجاعانه، در کتابی مستقل تحت عنوان «تربیت نسوان» و در فضای بسته تبریز آن زمان منتشر نموده و بگونه‌ای دقیق و بنیادی لزوم بررسی وضعیت این قشر را در جامعه یادآور شده است. علاوه بر این، در آثار گوناگون مستقل خویش و نیز در جای جای نشریه، بارها و بارها، به این مسأله اشاره نموده و از زاویه‌های مختلفی به نقد و بررسی این موضوع میپردازد.

زبان

شاید بتوان گفت که؛ مهمترین ویژگی زبانی شعر و نثر عصر مشروطه و پس از آن، در مقایسه با دوره کلاسیک ادب فارسی، «سادگی» آن است. در حقیقت، هر چه از دوره کهن‌گرای ادب پیش از مشروطه به عصر مشروطه و پس از آن نزدیک میشویم ابتدا نثر و سپس شعر به سوی زبانی ساده و همه فهم‌تر گرایش مییابد. در این زمان، به دلیل پیدایش شرایط نو و تازه‌ای همچون شکل‌گیری انقلاب مشروطه، ظهور اندیشه‌های اجتماعی و مردمی، پیدایش دستگاه چاپ و در نتیجه افزایش انتشار کتب، نشر روزنامه‌ها و مجلات، لزوم برخورداری از مخاطب عام، «آشنایی با تحولات ادبی اروپایی، مردمی بودن ادبیات و کم‌سوادى مخاطبان» (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین‌پور: ص 312) و ... زبان نوشتاری نیز از فخامت و سنگینی گذشته فاصله گرفته و کم کم به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک میشود. گرچه حتی در دوره پس از مشروطه نیز این مسأله با فراز و فرودهایی همراه است و در زمانهای مختلف و تحت تأثیر عوامل گوناگون تغییراتی نیز دارد.

اعتصام‌الملک که خود از جمله آغازگران نثر نوین محسوب میشود و در میانه این جریان نبرد کهنه و نو قرار گرفته است، به زبانی ساده و در عین حال کهن‌گرا می‌نویسد. به عبارت دیگر؛ زبان نوشته‌های وی، گرچه در شمار متونی به حساب می‌آید که در مقایسه با نثرهای همدوره خویش و حتی گاه در مقایسه با نوشته‌های پس از خود از زبانی بسیار ساده و روان برخوردار است، اما همچنان؛ شماری از ویژگیهای خاص شیوه نگارش کهن فارسی در آن دیده میشود.

استفاده مکرر از واژه‌های مترادف یا با معنای نزدیک در کنار هم، بهره‌گیری از شکل قدیمی‌تر واژگان، استفاده از جملاتی کوتاه که به واسطه حرف ربط «و» به یکدیگر وصل شده و در نتیجه باعث کشیده‌تر شدن سخن میشود، استفاده از شکل‌های پیشوندی و مرکب فعلی که در ساختار زبانی متون کهن فراگیرترست... و عوامل دیگری از این دست، از جمله دلایلی محسوب میشوند که همچنان پیوند آثار وی را با زبان کهن حفظ مینمایند.

نتیجه:

میرزا یوسف اعتصام‌الملک از جمله روشنفکران برجسته اواخر دوره قاجار است که اغلب فعالیت‌هایش را در حوزه ترجمه انجام داده. جریان ترجمه از زبانهای دیگر در ایران، از جمله گرایشهای نوینی است که در سده اخیر و در شاخه‌های متنوع و متعددی رونق یافته و در روند تحول علوم گوناگون، هنر و ادبیات در عصر جدید نقش درخور توجهی داشته‌است. اعتصام‌الملک با ارائه تفکرات نوین، نوآوری در مضامین و درونمایه‌ها، به کار گرفتن زبانی ساده‌تر از گذشته در خلق آثار ادبی و معرفی قالبهای جدید به جریانهای ادبی پس از خویش، خدمات ارزنده‌ای به ادب معاصر ایران نموده است.

بسیاری از مضامین تازه اجتماعی، سیاسی و اخلاقی همچون وضع زنان، اندیشه عدالت خواهی و مساوات، اوضاع حکومتی، اختلاف طبقاتی و ... برای نخستین بار از طریق آثار او به ادبیات ایران راه‌افت. در ضمن، نشریات و مطبوعات پس از وی نیز بخصوص در حوزه ادبیات، تا مدتها تحت تأثیر نشریه او قرار داشته‌اند.

انتشار گسترده قالبها و انواع جدیدی همچون رمان تاریخی، داستان کوتاه، قطعه‌های ادبی و ... در ایران برای نخستین بار توسط وی صورت گرفت و علاوه بر اینها، جامعه ادبی کشور، از نظر سابقه آشنایی با آثار مکتب رمانتیسیم نیز تا حد بسیار زیادی، مدیون تلاشهای بی‌وقفه اعتصام‌الملک است.

بدین ترتیب، یوسف اعتصامی با فعالیت‌های گسترده‌اش در ادبیات و نوگرایهای فراوان در زمینه‌های مختلف، پیشرو بسیاری از جریانهای نوظهور شعر و نثر فارسی در عصر جدید محسوب می‌گردد.

منابع

1. «تاریخچه زندگانی پدر شاعر»، دهخدا، علی اکبر، یادنامه پروین اعتصامی، به کوشش: علی دهباشی، تهران: نشر دنیای مادر، صص 163-167، (1370).
2. «یک سال تمام»، بهار، محمدتقی، مجله دانشکده، شماره 11-12، صص 1-4، (1336).
3. ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، شفیع کدکنی، محمدرضا، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن، (1390).
4. از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی (آیینی نو در نگارش)، رضوانیان، قدسیه، چاپ اول، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، (1388).
5. از صبا تا نیما (2 جلدی)، جلد دوم، آرین پور، یحیی، چاپ نهم، تهران: انتشارات زوار، (1387).
6. پیدایش رمان فارسی، بالایی، کریستف، ترجمه مهوش قویمی و نسرين خطاط، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین، (1386).
7. تجدد ادبی در دوره مشروطه، آژند، یعقوب، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، (1385).
8. تربیت نسوان -----، چاپ اول، تبریز: مطبعة معارف، (1318ق).
9. تیره‌بختان (مقدمه)، اعتصامی، یوسف، چاپ اول، تهران: مطبعة مجلس، (بی تا).
10. خدعه و عشق (مقدمه)، -----، چاپ اول، تهران: مطبعة فاروس، (1325ق).
11. رجال عصر مشروطیت، علوی، سید ابوالحسن، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: انتشارات اساطیر، (1385).
12. سفرنامه فیثاغورث (مقدمه)، -----، چاپ اول، تهران: مطبعة مجلس، (1314ق).
13. سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین پور، قیصر، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (1384).
14. سیر رمانتیسیم در ایران: از مشروطه تا نیما، جعفری جزی، مسعود، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، (1386).
15. طلبعه تجدد در شعر فارسی، کریمی حکاک، احمد، ترجمه مسعود جعفری، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید، (1384).
16. مجموعه اشعار، یوشیج، نیما، به کوشش: عبدالعلی عظیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر، (1384).
17. یا مرگ یا تجدد، آجودانی، ماشالله، چاپ چهارم، تهران: نشر اختران، (1387).

- History of Iranian literature, Rypka, Jan (1968), Dordrecht, Holland: D.Reidel.